مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات ، شماره ۱۶ ، تابستان ۱۳۹۸جلد۱، ص ۸۱-۶۹
http://www.jrse.ir

بررسی ادله حرمت نکاح با کفار در فقه امامیه بر اساس قاعده نفی سبیل

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۸۱-۶۹

سید محمد حسن ملایکه پور شوشتری[۱]، سهراب انبارکی[۲]

نویسنده مسئول:
سید محمد حسن ملایکه پور شوشتری

چکیده:

یکی از موانع نکاح از منظر فقه اسلامی ، بر اساس قاعده ی نفی سبیل نکاح فرد مسلمان با غیر مسلمان است. این مقاله شامل سه پرسش می باشد که نخست : اقوال فقهای امامیه در خصوص نکاح با کفار چیست ؟ دوم: ادله حرمت نکاح با کفار از منظر فقه امامیه و قاعده نفی سیبل چگونه ارزیابی می شود ؟ سوم : در تعارض قاعده فقهی نفی سبیل با سایر قواعد چگونه عمل می شود ؟ در پاسخ پرسش اول این فرضیه متصور است که اقوال فقها در این خصوص مختلف و مهمترین قول ممنوعیت نکاح دائمی با کفار ذمی و جواز نکاح موقت با آنان می باشد. در ادامه به نظر می رسد مهمترین ادله حرمت نکاح با کفار عبارتند از: تسلط کفار براموال مسلمین ،سست شدن روحیه جهاد، دشواری در تربیت فرزندان و اختلافات خانوادگی زوجین، به خطر افتادن وحدت در جامعه ، جلوگیری از جاسوسی و نفوذ دشمن است. در تعارض قاعده نفی سبیل با سایر قواعد، حاکمیت با قاعده نفی سبیل است.روش تحقیق در این مقاله تبیینی و روش گردآوری داده ها ، کتابخانه ای و از طریق فیش برداری می باشد و یافته های این مقاله بر این مبناست که اقوال مختلف فقها در این زمینه بررسی و با توجه به آیات ، روایات و عقل به ادله ممنوعیت نکاح با کفار پرداخته و در پایان به چگونگی حاکمیت این قاعده بر سایر قواعد می پردازد.

کلمات کلیدی: نفی سبیل ، نکاح، اضطرار، عسر، حرج.

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات ، شماره ۱۶ ، تابستان ۱۳۹۸جلد۱، ص ۸۱-۶۹
http://www.jrse.ir

مقدمه :

در مقررات اسلامی، ازدواج، مشروع دانسته شده وبرای مشروعیت آن به قرآن، سنت واجماع استدلال شده است. خاص بودن عقد از ازدواج از دیدگاه اسلام، سبب شده تا آن عقد یک قرار داد و پیمان با شرایط ویژه و بسیار پسندیده و مطلوب باشد و از منظر فقه اسلامی عملی مستحب موکد و در برخی موارد واجب شمرده می شود . البته طبق قانون های اسلامی موانعی نیز موجب باطل شدن ازدواج و حرام شمردن می شود (نجفی ، ۱۴۱۷، ۲۹ / ۳۱۳)

احکام اسلامی که منبعث از تعالیم وحیانی می باشد . هر کدام دارای فلسفه خاصی بوده که مسلماً بحث ممنوعیت نکاح با کفار نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست .دین اسلام برای حفظ کیان و شرافت امت اسلامی با ممنوعیت این دسته از ازدواج ها در واقع از استیلای کفار بر امت مسلمین جلوگیری به عمل آمده است .

یکی از موانع نکاح از منظر فقه اسلامی ، ازدواج شخص مسلمان با شخص غیر مسلمان است که در اصطلاح فقهی از او به کافر تعبیر می شود .

ازدواج مسلمان با کافر در صدر اسلام موضوعیتی نداشته و تمامی ارتباطات و مناسبات مسلمین با کفار در چهار چوب کشور اسلامی در قالب دارالاسلام بود اما امروزه مناسبات و ارتباطات گسترده در زمینه های اقتصادی سیاسی فرهنگی و ... با ملت های غیر مسلمان عنایت به این موضوع را افزایش داده است .

در خصوص بررسی ادله حرمت نکاح با کفار در فقه امامیه بر اساس قاعده نفی سبیل پژوهشی که جامعیت و مانعیت کافی داشته باشد انجام نشده است ، لیکن در این راستا مطالعات و تحقیقاتی انجام شده است . که بشرح ذیل می باشد :

جناب آقای پرویز مرادقلی در مقایسه ای با عنوان " باز پژوهشی مستندات فقهی ممنوعیت ازدواج مسلم با غیر مسلم "به صورت کلی صرفا به مستندات فقهی ممنوعیت ازدواج فرد مسلمان با غیر مسلمان اهتمام داشته و توجهی به چرایی این واقعیت نداشته است .

جناب آقای جواد طالبی در مقاله ای با عنوان " مطالعه تطبیقی بر نکاح با اهل کتاب و زنان شبهه دار در فقه و حقوق ایران " بیشتر به اقوال فقهای امامیه و مذاهب اهل سنت در خصوص ازدواج با اهل کتاب پرداخته و بررسی نکاح با کفار را از منظر حقوق ایران مورد جستار قرار داده است .

سرکار خانم فائزه عظیم زاده اردبیلی در پژوهشی با عنوان "علل و مستندات حرمت ازدواج با کفار " مهمترین علت حرمت ازدواج با کفار را به صورت خیلی گذرا تسلط کفار بر مسلمانان می داند و بیشتر به تاریخچه نکاح با کفار اهتمام داشته و بیشتر به نظریات فقهای اسلامی مخصوصا فقهای اهل سنت در خصوص ممنوعیت نکاح با کفار توجه دارد .

جناب آقای دکتر علی اکبر کلانتری در مقاله ای با عنوان "درنگی در ممنوعیت ازدواج فرد مسلمان با کافر غیر کتابی " در تلاش است با استناد به قاعده نفی عسر و حرج ازدواج فرد مسلمانی که در بلاد کفر زندگی می کند به شرط مستضعف بودن و عدم تضاد و عناد او را با اسلام توجیه نماید .

مقاله حاضر به بررسی ادله حرمت نکاح با کفار در فقه امامیه بر اساس قاعده نفی سبیل پرداخته و در تلاش است به این پرسش ها پاسخ دهد : ۱-اقوال فقهای امامیه در خصوص نکاح با کفار چیست ؟ ۲-ادله حرمت نکاح با کفار از منظر فقه امامیه و قاعده نفی سیبل چگونه ارزیابی می شود ؟ ۳- در تعارض قاعده فقهی نفی سبیل با قاعده اضطرار و نفی عسر و حرج چگونه عمل می شود ؟

در پاسخ به چنین پرسش هایی این فرضیه ها مطرح می شود که قاطبه فقهای امامیه قائل به حرمت نکاح دائمی با کفار اعم از کتابی و غیر کتابی بوده و در خصوص ازدواج موقت نظیر نکاح با کفار ذمی (اهل کتاب) جایز ولی ازدواج با کفار غیر کتابی (حربی) را تحت هر شرایطی مجاز نمی دانند.مهمترین دلایل حرمت نکاح با کفار نیز شامل موارد ذیل میشود ۱-تسلط کفار براموال مسلمین از طریق رابطه ارث بری . ۲-سست شدن روحیه جهاد و استیلا کفار بر ممالک اسلامی۳- دشواری در تربیت فرزندان و اختلافات خانوادگی زوجین با یکدیگر و خطر انهدام بنیان های اعتقادی درخانواده . ۴- ایجاد تناقض قوانین و انشقاق اجتماعی و به خطر افتادن وحدت در جامعه اسلامی .۵- جلوگیری از جاسوسی و نفوذ دشمن درجامعه اسلامی.

در تعارض قاعده فقهی نفی سبیل با قاعده اضطرار و نفی عسر و حرج می بایست قایل به حکومت قاعده نفی سبیل شد.

این مقاله شامل چهار بخش می باشد که در بخش اول : به معنا شناسی و تعاریف عملیاتی اختصاص یافته و در بخش دوم به اقوال فقهای امامیه در خصوص نکاح با کفار اشاره شده است و در بخش سوم به ادله حرمت نکاح با کفار از منظر فقه امامیه و قاعده نفی سبیل اختصاص یافته و در بخش چهارم نحوه تعارض قاعده نفی سبیل با قاعده اضطرار و نفی عسر و حرج اشاره دارد .

۱-معنا شناسی ، نکاح ، موانع نکاح ، کافر ، نفی سبیل ، اضطرار، نفی عسر وحرج .

۱-۱ نکاح وازدواج: نکاح در لغت به معنای ضمیمه کردن وجمع کردن ودر اصطلاح عبارت است از رابطه حقوقی که به وسیله عقد بین مرد وزن حاصل می گردد و به آن ها حق می دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند.(امامی ،۱۳۸۰، ۲۶۸/۱): ازدواج مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال و نکاح مصدر باب مفاعله است . از نظر لغت ازدواج به معنای متحد شدن انسان و نکاح به معنای هم خوابگی آن دو است . (ابراهیمی ،۱۳۷۷، ۱۵/۱) . از دیدگاه حقوقی ، نکاح از عقودی است که به موجب آن زن و مرد ، به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی ، با هم متحد می شوند . نکاح از عقودی است که جنبه مالی و غیر مالی هر دو را دارا است. (کاتوزیان ، ۱۳۵۹ ،۴ /۳۵)

۱-۲موانع نکاح :(موانع دائمی و موانع نسبی)

موانع (محرمات)موقت:

منظور زنانی هستند که سبب تحریم آنها دائمی نبوده بلکه موقت است و زن بر مرد مادامی که این صفت یا حالت را دارد حرام می باشدو وقتی این صفت یا حالت تغییر کند و سبب تحریم زائل شود،زن بر مرد حلال می گردد،مانند زن شوهردارکه اگر شوهرش اورا طلاق دهدیا فوت کند به دیگران حلال می شود (ابوزهره ،۱۴۱۰، ۸۵/۳) ازدواج با کفار نیز جزء موانع نسبی محسوب شده و زن و مرد کافر با تشرف به دین مبین اسلام ازدواج با آنان جایز است.

موانع (محرمات) ابدی:

در این موارد ،زن هیچ گاه نسبت به کسی که بر او حرام است حلال نمی گردد،چون صفت موجب تحریم از صفاتی است که ملازم با زن بوده واز او زائل نمی گردد،مانند خویشاوندان نسبی .مواردی که موجب حرمت ابدی است به سه دسته تقسیم می گردد: قرابت ، مصاهرت ورضاع.(صادقی ،۱۳۷۶، ۷۶/۱)

۱-۳کافر : ابن منظور در خصوص واژه کفر می فرمایند " کل من ستر شیا فقد کفره و کفره " هرکس چیزی را پوشانید میگویند کفره وکفره " (ابن منظور،۱۴۱۶، ۱۲/ ۱۱۸)راغب اصفهانی می گوید :"الکفر فی اللغه ستر الشی " (راغب اصفهانی،۱۴۱۲، ۵/ ۷۱۴).کافر شامل کافر حربی و کافر کتابی یا ذمی می شود. ضمنا کافر حربی پیرو هیچ کتاب و آیینی نمی باشد و با اسلام سر ستیز داشته و تحت هیچ شرایطی ازدواج با آنان جایز نمی باشد. اما کافر ذمی پیرو ادیان آسمانی بوده و با گرفتن خراج از آنان در جهت تامین امنیت برایشان در ذمه مسلمین هستند.

۱-۴ نفی سبیل : مراد از ما ی نافیه به معنای بسته شدن و مسدود بودن است . سبیل در لغت به معنای طریق ،راه، راه آشکار و حجت است . اما معنای اصطلاحی آن به معنای قانون و شریعت است . (بجنوردی، ۱۴۲۹ ، ۱ / ۱۹۲) (لنکرانی ، ۱۴۲۵ ، ۱ / ۲۳۴-۲۴۲) . سبیل به معنای راهی است که در آن سهولت و آسانی است و گاهی از حجت به سبیل تعبیر می شود.(راغب اصفهانی ، ۱۴۱۲ ، ۲۶۲/۱)بنابراین معنا و قاعده این است که در شریعت اسلام هیچ قانونی که موجب سلطه و نفوذ کفار بر مسلمانان شود، تشریع نشده است .

۱-۵ اضطرار : مصدر باب افتعال و به معنای الجا ، ناچار شدن و محتاج بودن و اضطرار در واقع توجه ضرر به شخص است که منشا آن گاهی عامل درونی و گاهی عامل خارجی است . (امیر وطنی ،۱۳۸۱، ۱۸۷-۲۰۷)

۱-۶ عسر وحرج : در لسان العرب عسر ، ضد یسر و به معنای ضیق ، شدت و صعوبت است . (ابن منظور ،۱۴۰۸، ۲۰۱/۹)

تعریف عسر در النهایه ابن اثیر چنین آمد ه است : عسر ضد یسر بوده و به معنای تنگنا ، دشواری و سختی است (ابن اثیر ، ۱۴۲۲، ۲۰۱/۳)

لغت نامه دهخدا عسر را به معنای صعب ، تنگ ، دشوار ، بد خویی ، مشکل و سخت شدن روزگار گرفته که در مقابل یسر به کار می رود .(دهخدا ، ۱۳۷۳ ، ۱ /۹۵) و به معنای دشواری و نقیض یسر است . (قریشی ، ۱۳۶۷ ، ۴ / ۳۲۹)

حرج به معنای اسم مصدر و در فرهنگ لغت در معانی ضیق ، تنگی ، تنگنا ، گناه و حرام به کار رفته است . (عمید ، ۱۳۷۲ ، ۱۴۱/۸)

ترکیب دو کلمه عسر و حرج روی هم رفته به معنی تنگی ، فشار و گناه خواهد بود و اینکه می گویند عسر و حرج در دین نیست یعنی سختی و تنگی در دین نیست (شفائی ، ۱۳۳۵ ، ۱۲۶/۱-۱۲۷)

۲-اقوال فقهای امامیه در خصوص نکاح با کفار:

در خصوص نکاح با اهل کتاب نظریات مختلفی می باشد که می توان مجموع آن نظریات را به پنج قول دسته بندی کرد .

۲-۱ حرمت مطلق ازدواج با اهل کتاب :

بعضی از فقهای شیعه قائل به حرمت مطلق ازدواج با زنان یهودی و مسیحی می باشد و برای اثبات ادعای خود به کتاب ، روایات (حر عاملی ،بی تا ،۴۱۰/۱) (خویی ۱۴۰۳ ، ۱۴۰/۲) و اجماع (نجفی ، ۱۹۸۱، ۴۲/۵) و اصل احتیاط استناد جسته اند. (خویی ۱۳۹۳ ، ۲۷۲/۲)

سایر طرفداران این نظریه می توان به سید مرتضی (شریف مرتضی ، ۱۴۰۵، ۲۷۹/۱) و شیخ مفید اشاره کرد که در االمقنعه می نویسد :" ازدواج با زن کافر به خاطر کفر او حرام است ، چه اینکه او بت پرست باشد یا زرتشتی یا مسیحی .(مفید ۱۴۰۳ ، ۵۰۰/۲)

۲-۲ جواز مطلق ازدواج با اهل کتاب :

گروه دیگری ار فقها معتقدند که ازدواج با زنان اهل کتاب به طور مطلق جایز می باشد و برای اثبات ادعای خود به کتاب و روایات استناد جسته اند و در میان فقهای متاخر ، مرحوم فیض کاشانی معتقدند به تصریح بعضی اخبار بر جواز از ازدواج موقت با اهل کتاب با جواز ازدواج دائم منافاتی ندارد. (فیض کاشانی ،۱۳۸۸، ۱/ ۲۴۹)

تعداد دیگری از فقها همچون ابن ابی عقیل (حلی، ۱۴۱۳ ، ۷/ ۹۱) و علی بن بابویه پدر شیخ صدوق و خود ایشان ازدواج با اهل کتاب را به طور مطلق جایز می دانند :

ازدواج با زن یهودی و مسیحی اشکالی ندارد و اگر با آنها ازدواج کردی ، آنها را از خوردن شراب و گوشت خوک منع کن ، و بدان که به خاطر این ازدواج ، منفعتی در دین تو ایجاد شده است . ازدواج با زرتشتی حرام است . (صدوق ،۱۴۱۵، ۴/ ۳۰۸)

۲-۳ : تفصیل میان همسر دائم و همسر موقت :

از میان فقهای قدیم فقهایی نظیر ابوالصلاح حلبی (حلبی ،۲۸۶/۱) و سلار (سلار ،۱۴۰۴، ۱۴۸/۱)و از متاخران ، علامه حلی (حلی ،۱۴۱۰، ۲۲/۲) و محقق حلی (حلی ، ۱۴۱۵، ۷۹/۱) ازدواج موقت با اهل کتاب را جایز و لیکن ازدواج دائم با آنها را مجاز نمی دانند .

در این خصوص سلار نوشته است : از جمله شرایط نکاح این است که زن مومن یا در صورت عدم ایمان ، از مستضعفان فکری گروه مخالف باشد . پس اگر زنی ذمی یا مجوسی یا درحباله دیگری باشد ؛ ازدواج دائمی با او صحیح نیست زیرا صحت عقد ، هم کفو بودن در دین باید ملاحظه شود . اما ازدواج موقت و به برده گرفتن زنان کافر ذمی جایز است و زنان مجوسی جایز نیست . (سلار ، ۱۴۱۴ ، ۱/ ۱۵۰)

امام خمینی (ره) نیز پس از آنکه قول مشهور را حرمت ازدواج دائم با زنان یهودی و مسیحی و جواز ازدواج موقت با آنان می داند ؛ به این نظر صحه گذاشته و آن را از میان اقوال مختلف قول قوی می داند. (موسوی خمینی ، ۱۴۱۰،ص ۲۸۵) این نظریه قول مشهور در بین فقهای امامیه است و مستندات فقهی آن نیز از آیات قرآن ، روایات و شهرت (مظفر، ۱۳۷۸، ۱۸۶/۱) می باشد .

۲-۴ تحریم نکاح دائم و متعه اختیاراً و جواز نکاح دائم و متعه اضطراراً:

برخی از فقها اختیار و اضطرار را در نکاح با اهل کتب موثر دانسته و در این راستا شیخ مفید در النهایه می فرمایند : ازدواج مرد مسلمان با هیچ یک از طوایف زنان کافر و مشرک جایز نیست ، اما اگر مضطر به ازدواج با آنان شد تنها حق دارد در حالت اضطرار با زنان یهودی و مسیحی ازدواج کند . البته ازدواج با موقت با این دو گروه در حالت اختیار هم جایز است ، ولی در صورت ازدواج، آن ها را از خوردن شراب و گوشت خوک و محرمات دیگر باز دارد . (طوسی ، ۱۴۰۰ ، ۱/ ۴۵۷) مرحوم ابن حمزه (ابن حمزه ، ۱۴۰۸ ،۱/ ۲۹۰) و ابن براج (ابن براج طرابلسی ، ۱۴۰۶ ، ۱۸۷/۲-۲۲۷) قایل به این نظریه هستند .

۲-۵ جواز نکاح دائم اضطراراً و جواز متعه اختیاراً :

برخی از فقها نظیر شیخ طوسی به استناد روایات قائل به جواز نکاح دایمی با اهل کتاب فقط در حالت اضطراری می باشند ولی عقد متعه در حالت اختیار نیز جایز است .

ابن حمزه در الوسیله می گوید : برای مومن جایز است که از روی اختیار با زن یهودی و مسیحی و ناصبی ازدواج موقت کند ولی برای ازدواج های دایمی باید مضطر باشد . ابن براج نیز قایل به این نظریه است و عقد دایم با زن مشرک اعم از بت پرست ، یهودی ، انصاری را

مجاز نمی داند مگر اینکه ضرورت و اضطرار شدید احساس شود که در این صورت با زن یهودی و نصرانی می توان ازدواج کرد ولی ازدواج با زنان مشرک تحت هیچ شرایطی جایز نیست . (ابن براج ، ۱۴۰۲، ۸۷/۱)

۲-۶ بررسی نکاح زن مسلمان با غیر مسلمان:

در فقه امامیه نکاح زن مسلمان با کفار مطلقا حرام و تحت هیچ شرایطی جایز نیست . امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید : برای زن مسلمان جایز نیست که با کافر ازدواج نماید ؛ چه دایم باشد و یا انقطاعی ؛ کافر اصلی حربی باشد یا کتابی ، مرتد فطری باشد یا مرتد ملی (بازگیر، ۱۳۸۷، ۱۰۱/۱) مهم ترین مستند فقهی اقوال فقهای امامیه در این زمینه ، آیات قرآن و احادیث شریف ائمه (معصومین علیهم السلام)می باشد . چرا که خداوند می فرماید :"و لا تنکحوا المشرکین حتی یومنوا و لعبد مومن خیر من مشرک "(بقره/ ۲۲۱) به کافران مشرک تا ایمان نیاورده اند زن مومن ندهید و برده مومن بهتر از مشرک است .

بنابر این با توجه به اقوال صریح فقها این حکم کلی قابل استنباط است که منع نکاح زن مسلمان با مرد غیر مسلمان مورد اتفاق کلیه فرق اسلامی اعم از شیعه وسنی است و مبنای آن علاوه بر اجماع ، بعضی آیات قرآنی و نیز دلیل عقلی است . در مورد ازدواج زن مسلمان با مرد کافر ، هم فرق نمی کند که مرد کافر اهل کتاب باشد یا غیر اهل کتاب چون ملاک حرمت که کافر بودن و دعوت به غیر اسلام و به تعبیر قرآن دعوت به سوی آتش و منع سلطه کافر بر مسلمان است که در هر دو وجود دارد . (کاظم زاده ، ۱۳۸۲، ۱۴۱/۱)

نظریه کلی و اساسی فقه امامیه چنین است که : ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان (اهل کتاب) فقط به صورت نکاح موقت جایزاست و ازدواج زن مسلمان تحت هیچ شرایطی با کفار (اهل کتاب) چه به صورت موقت و چه به صورت دایم مجاز نیست .در ضمن نکاح مرد مسلمان با زن غیر مسلمان (غیر اهل کتاب) چه به صورت دایم و یا موقت نیز مجاز نمی باشد .

۳- ادله حرمت نکاح با کفار از منظر فقه امامیه بر اساس قاعده نفی سبیل.

۳-۱ : مفاد قاعده نفی سبیل :

منظور از قاعده نفی سبیل این است که خداوند در تشریع اسلامی ، حکمی را که اجرای آن موجب تسلط و نفوذ کافران بر آحاد مسلمانان گردد ، جعل نفرموده است ، بنابراین هر حکمی که پیاده شدن آن مستلزم راه یافتن تسلط کفار بر فرد مسلمان یا امت اسلام گردد الهی نبوده و به اقتضای این قاعده نباید عمل گردد . به عنوان مثال هر گاه انجام معامله ای با کفار یا در اختیار گرفتن منصبی از سوی وی مستلزم نفوذ بیگانگان بر مسلمانان گردد ، انجام آن معامله و نهادن آن منصب در اختیار وی ممنوع است ، هر چند اصل این کار – بدون توجه به این استلزام – شرعا جایز باشد (بجنوردی ، ۱۴۱۹، ۱۸۷/۱-۱۹۱)

۳-۱-۱مستندات فقهی قاعده نفی سبیل :

مهمترین ادله قاعده نفی سبیل ادله چهار گانه قرآن ، سنت ، اجماع و عقل است و لیکن مستند ترین آن آیات قرآن می باشد که به آن پرداخته می شود .

۳-۱-۲: قرآن :

خداوند در این زمینه در قرآن می فرماید : "و لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا (نساء/۱۴۱) و خداوند هرگز حکمی را که موجب سلطه و راهی برای نفوذ کفار بر مسلمانان گردد جعل و تشریع نفرموده است..

۳-۱-۳سنت:

روایات بسیاری از ائمه معصومین (علیهم السلام) صادر شده است که موید قاعده نفی سبیل است . پیامبر اکرم (ص) فرمودند :"الاسلام یعلوا ولایعلی علیه والکفار به منزله الموتی لایحجبون ولایورثون "اسلام بالا می رود ولی بر آن غلبه نمی شود ، کافران همانند مردگان هستند که حجب ارث نیستند و ارث هم نمی برند .(شیخ صدوق ، بی تا،۳۳۴/۴)

و در جای دیگر پیامبر (ص) می فرمایند :"الحق یعلوا ولا یعلی علیه "حق بلند است و چیزی بر آن برتری نمی یابد (صالح مازندرانی،۱۴۲۱، ۱/ ۸۶)

امام صادق می فرماید :" وللاسلام یزید ولا ینقص "اسلام به حق می افزاید وچیزی نمی کاهد(کلینی،۱۳۶۷، ۲۴۵/۱)

ودر جایی دیگر می فرمایند:"والاسلام یزید المسلم خیراً ولایزیدشراً"اسلام برای مسلمانان خیر می افزاید و برای او شر نمی افزاید.(کلینی، ۱۳۶۷، ۲۴۵/۱)

۳-۱- ۴اجماع:

اجماع محصل و قطعی فقیهان و مفسران شیعه و اهل سنت، بر این است که در اسلام هیچ حقی برای تسلط داشتن کافر بر مومن وجود ندارد و چون این کار سبب خفت و خواری مسلمانان در برابر کفار می گردد .(انصاری ، ۱۴۱۵ ، ۳ / ۲۸۶)

اگر چه برخی از نویسندگان به اجماع نیز تمسک جسته اند . لیکن این اجماع مدرکی است و هیچ ارزشی به همراه ندارد . (عالمپر ،۱۳۸۶، ۱۷/۱)

۳-۱-۵: عقل :

یکی از مستندات فقهی در حوزه ی قاعده نفی سبیل عقلی می باشد که شارع مقدس به عنوان سید عقلای عالم چگونه ممکن است حکمی را جعل کنند یا حکمی را تشریع کند که سبب علو کافران بر مسلمانان شود.

۳-۱-۶: مصادیق قاعده نفی سبیل در فقه :

۳-۱- ۶-۱:مصادیق این قاعده در فقه:

۱-صحیح نبودن فروش ، اجاره ، رهن برخی موارد به کافران چون قرآن و کتاب های حدیث، تفسیر ،ادعیه و ضریح قبور ائمه (علیهم السلام) پرده کعبه ، زمین حرم الهی و اماکن مقدسه " (راوندی ، ۱۴۰۵ ، ۲ /۵۷)

۲-عدم ثبوت اذن پدر کافر در مواردی چون نکاح دختر باکره ، صحت نذر،عهد ، عبادات ، ازدواج (احمد ابن علی جصاص،بی تا ،۳ ، ۲۷۹)، محمد فاضل لنکرانی ، بی تا، ۲۵۰/۱)

۳-کافر بر مسلمان حقی در مسایل اجتماعی و اقتصادی ندارد(احمد ابن علی جصاص،بی تا ،۳ ، ۲۷۹) همانند : نکاح زن مسلمان . (کاظمی ، ۱۴۱۳، ۵۳/۳) حق قصاص در قاتل مسلمان (قنوچی ، بی تا،۱/ ۲۱۹). حق قضاوت و داوری اگر چه دیگر شرایط را دارا باشد ، وصی مسلمان میت ، وکالت از مسلمان (راوندی ، ۱۴۰۵، ۲۱۳/۲) ، حق شفعه و ارث از مسلمان.

۴-عدم ثبوت ولایت کافر بر مسلمان اعم از صغیر ، مجنون ، سفیه ، اوقاف و اموات .

۳-۲ ادله حرمت نکاح با کفار در فقه امامیه :

۳-۲-۱ : آیات قرآن :

آیات ذیل از دال بر حرام بودن ازدواج مرد مسلمان با زن کافر است که به صورت مجمل به آن ها اشاره می شود .

۱-با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند ، قطعا کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است ، هر چند زیبایی او شما را به شگفت آورد .(بقره/ ۲۲۱)

۲-به پیوند های قبلی با کافران متمسک نشوید .(ممتحنه / ۱۰)

۳-" آنان،" مشرکان " شما را به سوی آتش فرا می خوانند و خداوند شما را به سوی بهشت و آمرزش می خواند . (بقره/ ۲۳۱)

و در جایی دیگر خداوند در خصوص نکاح زن مسلمان با مرد کافر می فرمایند :

به مردان مشرک تا ایمان نیاورده اند، زن مومن ندهید و برده مومن بهتر از زن مشرک است . (بقره/ ۲۲۱) زنان مومن را نزد کافران باز مگردانید ، زیرا اینان به مردان کافر حلال نیستند و مردان کافر نیز بر آن ها حلال نیستند (سوره ممتحنه/ ۱۰)

۳-۲-۲روایات :

روایات متعددی در این خصوص وارد شده که به اختصار به یکی از آن ها اشاره می شود .

شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع در مورد اینکه چرا ازدواج با زنان مستضعف از صائبی ها و ... جایز نیست ولی زنان حق ندارند با چنین مردانی ازدواج کنند ، روایتی از زراره نقل کرده که امام صادق (ع)

که امام صادق (ع) در آن فرموده است: با زنان شکاک و مردد در دین شان ازدواج نکنید و زنان مسلمان را به شکاکان تزویج ننماید، زیرا زن از شوهرش تربیت می پذیرد و شوهر او را مجبور می کند که به آیین وی درآید (قمی، ۱۳۹۸، ۲/ ۵۰۲) به همین دلیل نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست.

۳-۳: قاعده نفی سبیل:

قاعده نفی سبیل، اصل مترقی و کارآمدی است که استقلال و عزت مسلمانان را به شایستگی تضمین می کند. روی این قاعده به تفصیل، در فقه امامیه تحقیق شده و فروعات بسیاری نیز بر آن متفرع گشته است؛ قاعده مزبور، قلمروی وسیع و پردامنه دارد؛ چنانکه در

معاملات، سیاست ها و احکام جریان و سریان دارد. عنوان نکاح با اهل کتاب یکی از موضوعات مربوط به فقه می باشد و اختلاف در دین یکی از موانع نکاح به شمار می آید. از آنچه گفته شد، معلوم می آید که حکم منع نکاح زن مسلمان با مرد غیرمسلمان، مورد اتفاق کلیه فرق اسلامی اعم از شیعه و سنی است.

در مورد ازدواج زن مسلمان با مرد کافر، هم فرق نمی کند که مرد کافر اهل کتاب باشد یا غیر اهل کتاب، چون ملاک حرمت که کافر بودن و دعوت به غیراسلام به تعبیر قرآن دعوت به سوی آتش و منع سلطه کافر بر مسلمانان است. در هردو وجود دارد (کاظم زاده، ۱۳۸۲، ۱/ ۱۴۱)

بنابراین عدم توجه به این قاعده فقهی و اساسی در این خصوص می تواند آثار زیانباری را متوجه جامعه اسلامی کند که به صورت اختصار به آن پرداخته می شود:

۳-۳- ۱: ایجاد اختلاف و انشقاق اجتماعی و به خطر افتادن وحدت در جامعه:

نکاح با کفار که دارای عقاید متمایزی با مسلمانان می باشند، می تواند منجر منتج به اختلافات متنابعی در سطح جامعه اسلامی شود.

یکی از چالش های کنونی جوامع اسلامی در اجرای قاعده نفی سبیل، تفرقه امت اسلام است. دشمنان اسلام همواره در طوری تاریخ به دنبال ایجاد اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان بودند و تنها راه اضمحلال این دین آسمانی را در ایجاد اختلاف میان پیروان این دین می دانستند. حقیقتا تفرقه‌ی امت اسلامی از موارد سبیل کفار است که باید مورد توجه مسلمانان خصوصا علمای اسلام باشد. فقدان وحدت و عمل نکردن به اصول اسلامی در جهان اسلام سبب شده است که اجانب بر آنها تسلط پیدا کنند و تا زمانی که چنین تفرقه و بیگانگی بین مسلمانان حاکم باشد، سیطره غرب نیز تداوم خواهدیافت. اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا کنند. این تفرقه مسلمین است که از اول به دست اشخاص جاهل تحقق پیدا کرد و اکنون هم ما گرفتار هستیم. واجب است بر همه مسلمین که باهم باشند. یک زمان حساسی است. ما بین حیات و موت مردد هستیم. ما اکنون مملکتمان یا باید تا ابد زیر یوغ استعمار و استبداد باشد یا باید اکنون از این یوغ خارج شود. اگر وحدت کلمه را حفظ نکنید تا آخر باید مبتلا باشید (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۶/ ۸۳)

یگانگی دین و وحدت عقیده پیوند بسیار عمیقی را بین افراد جامعه ایجاد می نماید و شواهد تاریخی نیز نقش ارزنده‌ی دین را در همبستگی ملتها، گویا است؛ اما به طور کلی پس از گسترش مدرنیته و توسعه عقل روشنگری در قرن هیجده و نوزده میلادی نقش دین در تشکیل اجتماعات بشری تا حدودی کم رنگ شده، البته ناگفته نماند که برخی از ادیان مانند آیین یهود به دلیل اختصاص داشتن به یک قوم خاص و برخوردار بودن از خصوصیات نژآد به دنبال وحدت یک قوم خاص اند و برای دیگران نمی تواند وحدت آفرین باشد؛ ولی برخی دیگر مانند دین اسلام و مسیحیت مختص به قوم و نژاد خاصی نبوده و در پی وحدت تمام انسان ها براساس باور و عقیده هستند نه براساس نژاد، زبان و بوم .(قمری، ۱۳۸۰، ۱/ ۱۳-۱۲)

با توجه به آیات قرآن و احادیث ائمه معصومین (علیهم السلام) می توان در این میان مبانی و عناصری را به عنوان نقاط مشترک و عقیدتی میان جوامع اسلامی معرفی نمود. مولفه هایی نظیر توحید، نبوت، معاد، حج، احکام فقهی و عبادات، نقش بی بدیلی در وحدت اجتماعی دارند و مسلما اختلاف دینی و اعتقادی در جامعه این ظرفیت را به مرحله اضمحلال رسانده، و وحدت جامعه اسلامی را با مخاطره جدی مواجه می سازد.

۳-۳-۲: ایجاد اختلاف بین زوجین:

همانطور که دین عامل وحدت بخش در جامعه بشری می باشد، یک عامل بسیار تاثیرگذار در جهت انسجام و استحکام مبانی زندگی زناشویی نیز تلقی می شود. ازدواج مرد مسلمان با زن کافر در اسلام تحریم شده و فلسفه این تحریم، ظاهر و آشکار است و آن عدم امکان برخورد و هماهنگی میان اسلام و ثنویت است. عقیده توحید خالص متضاد و متناقض باعقیده شرک محض است (قرضاوی، ۱۳۸۲، ۱/ ۵۷۶) و نیز باعث عدم تحقق انسجام و اطمینان و همکاری بین زوجین است. زیرا تباین عقیده موجب اضطراب و تنش و تنافر بین زوجین می گردد و بنابراین زندگی زناشویی بر پایه های دوستی و رحمت و محبت و آرامش، مستقر و استوار نمی گردد (کاظم زاده، ۱۳۸۲، ۱۴۱/۱)

تحقیقات تجربی که در این رابطه انجام شده نشانگر این مطلب است که نیایش و ارتباط با خدا به صورت مستقیم در رضایتمندی زناشویی و استحکام خانواده دخالت دارد. الکسیس کارل می گوید: نیایش، در روح و جسم تاثیر می گذارد و احساس عرفانی و احساس اخلاقی را همزمان تقویت می کند. در چهره کسانی که به نیایش می پردازند، حس وظیفه شناسی، قلت حسد و شرارت، و نیکی و خیرخواهی نسبت به دیگران خوانده می شود. نیایش خصایص خود را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فرد نشان می دهد: صفای دل، متانت رفتار، انبساط خاطر، شادی بی دغدغه، چهره پر از یقین، و آمادگی برای پذیرش حق، از ویژگیهای نیایشگران است. پرواضح است که با وجود چنین ویژگی هایی در زن و شوهر، زندگی استحکام بیشتر و بهتری پیدا می کند (آلکسیس کارل،۱۳۷۷، ۸۸/۱)

۳-۳-۳: تضعیف روحیه جهاد و شهادت:

از آنجا که اسلام، دین عقل و فطرت است، به نیاز فطری (یعنی دفاع از خود) و عقلی بشر توجه لازم را مبذول داشته و ضمن تایید این نیاز فطری و حکم عقل بر ضرورت و اهمیت آن تاکید ورزیده است. بدین جهت قرآن کریم بر ضرورت آمادگی برای دفاع همه جانبه تاکید ورزیده، می فرماید: وَأَعِدّوا لَهُم مّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الخیل... (انفال/۶۰) هر نیرویی که در توان دارید برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید! همچین اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

برخی از آثار و پیامدهای ناگوار ترک دفاع و جهاد در اسلام، انهدام پایگاه های توحید و خداپرستی، گرفتاری به خواری و ذلت، از میان رفتن هویت دینی و ملی، عزت و آبرو و شخصیت انسانی، کاستی ایمان، محرومیت از رحمت و عنایات خداوندی، رواج باطل و فساد و منکرات، محرومیت از عدل و انصاف و از همه مهمتر، کیفر سخت الهی در سرای باقی و افتادند در آتش دوزخ می باشد (نجفی، ۱۳۶۲، ۳ /۲۱)

با توجه به مطالب مطروحه، ازدواج با کفار منجر به سست شدن یکی از مبانی مهم اعتقادی و دینی یعنی جهاد شده و منتج به استیلای کفار بر ممالک اسلامی می شود.

۳-۳-۴ اشکال در تربیت فرزندان:

شخصیت فرزندان از همان دوران کودکی و خردسالی، تکوین می یابد و ابزارها و شیوه های گوناگونی در جهت تربیت فرزند از نظر شخصیت پدر و مادر و اطرافیان، شیر مادر، لقمه و .... در علوم تربیتی و بخصوص در متون دینی وجود دارد و از آن جایی که موضوع دین، رفتارهای اختیاری و ارادی افراد می باشد، بنابراین، راهکارهای تربیتی رفتاری و کنترل رفتار افراد نیز جزو حوزه ی مباحث دینی به حساب می آید.

دین اسلام، تربیت فرزند را از انتخاب همسر می داند؛ زیرا عوامل مؤثر در تربیت، صرف نظر از فطرت، عوامل ارثی هستند یا محیطی و با انتخاب همسر، پرونده عوامل ارثی و بخش مهمی از عوامل محیطی تاحدودی بسته خواهد شد؛ زیرا محیط تربیت را خانواده و اجتماع تشکیل می دهد. و در همین زمینه خداوند می فرماید: ما انسان را از نطفه ای مختلط بیافریدیم، امتحان کردیم و استعدادهای او را به فعلیت تبدیل نمودیم و او را شنوا و بینا ساختیم (دهر/۵)

پیامبراکرم(ص) در این زمینه می فرمایند: "انکحوا الاکفاء و انکحوا منهم و اختاروا لنطفکم؛" به هم شأن خود، زن بدهید و از هم شأن خود، زن بگیرید و برای نطفه های خود جایگاه مناسب انتخاب کنید (عاملی، ۱۳۹۷، ۲۹/۱۴)

و نیز می فرمایند: «برای نطفه های خود جایگاه مناسب انتخاب کنید که ویژگی های دایی در شکل گیری شخصیت فرزند، اثر می گذارد.» (عاملی، ۱۳۹۷، ۲۹/۱۴)

حتی آموزه های دینی در خصوص بارداری و تاثیر غذای مادر در دوران حمل نیز به نکات بسیار مهمی اشارت فرمودند که جالب توجه است. مثلا پیامبر اسلام (ص)می فرمایند: به زن آبستن در آخرین ماه های بارداری، خرما بخورانید تا فرزندش بردبار و پاکیزه باشد (نوری،۱۴۰۷، ۱۵ / ۲۳۶)

بنابراین با توجه به اوصاف مذکور اگر مرد یا زن مسلمان با فرد کافر مناکحه کند مسلما در خصوص تربیت فرزندان با معضلات جدی روبرو خواهد شد.

۳-۳-۵ احتمال نفوذ و جاسوسی از بلاد اسلامی:

ازدواج فرد مسلمان با فرد کافر منتج به ایجاد روابط خانوادگی با آنان خواهد شد و مسلما برقراری مراودات خانوادگی با کفار که ناشی از ارتباط خویشاوندی می باشد، احتمال نفوذ و جاسوسی از بلاد اسلامی را افزایش می دهد، بنابراین دین اسلام از جهت دفع خطر احتمالی قائل به حرمت نکاح با کفار است.

۳-۳-۶ مالکیت کفار بر اموال مسلمین:

بر اساس آموزه های دینی و فقهی ،زوجین براساس آیات قرآن و روایات ائمه معصومین (علیهم السلام)به مجرد نکاح از یکدیگر ارث می برند. و بر اساس قواعد حاکم بر مقوله ارث هیچ چیزی نمی تواند به طور مطلق آنان را از ارث محروم کند .چرا که مرد در صورت دارا بودن فرزند، زن از او یک هشتم ارث می برد و در صورت فقدان فرزند یک چهام از مرد ارث می برد.مرد نیز یک دوم اموال زن را به ارث می برد .بنابراین ازدواج با کافران منجر و منتج به استیلای آنان بر اموال مسلمین می شود و شاید به خاطر این که در ازدواج موقت رابطه ارث بری منقطع می باشد شارع مقدس ازدواج موقت با کفار ذمی را جایز می داند.

۳-۴- رابطه قاعده ی نفی سبیل با دیگر احکام:

در مورد رابطه این قاعده با سایر ادله دو فرضیه متصور است.

فرضیه اول: برخی از فقها نظیر شیخ انصاری معتقدند این قاعده با سایر ادله و احکام اولی در یک رتبه قرار دارند.

فرضیه دوم: جمهور فقهای امامیه قائل به حکومت قاعده نفی سبیل بر ادله و احکام اولی می باشند. چرا که در چنین شرایطی هرگز نوبت به تعارض نمی رسد و دلیل نفی سبیل همیشه مقدم خواهد بود. بنابراین نفی سبیل بر احکام اولیه حکومت دارد و تعارض بین آنها استقرار نمی یابد.

اما زندگی در بلاد کفر باعث می شود فرد مسلمان یا جامعه اسلامی برای حصول به منافع مهمتر لاجرم برخی اوقات به طور موقت این قاعده را مورد غمض عین قرار دهد. مثلا گاهی اوقات نظام اسلامی ناچار است انگیزه نفی هرگونه سبیل و سلطه در آینده، به طور موقت سلطه کفار را بپذیرد. بنابراین قاعده نفی سبیل در تزاحم با مصالح مهمتر قابل تخصیص بوده ولی تشخیص مصالح و تقدیم یکی بر دیگری می بایست بر مبنای اصول کارشناسی و با در نظر گرفتن جوانب احتیاط صورت گیرد. کما اینکه در بحث جهاد نیز در مواجهه با دشمنان شارع مقدس اجازه عقب نشینی تاکتیکی را به مجاهدان تجویز فرموده است.

لازم به ذکر است مرجع تشخیص اهم و مهم در مسایل فردی شخص می باشد و در مسایل کلی و عمومی قطعا می بایست نظر نخبگان و کارشناسان در این امر لحاظ شود.

اما نکته بسیار مهم و قابل ذکر در مبحث تخصیص و حکومت قاعده ی نفی سبیل با توجه به شرایط مسلمین می بایست قایل به تفصیل شد. مثلا در مواردی ممکن است فرد مسلمان در شرایط اضطرار و عسر و حرج واقع شود، و طرف مقابل او نسبت به دین حق، دشمنی نداشته و به تعبیر روایات مستضعف باشد و یا در جایی که فرد مسلمان ازطریق ازدواج با این طیف افراد می تواند در لایه های حساس نظام کفر نفوذ و ورود کرده ومنافع ارزشمندی را نصیب نظام اسلامی کند و و قادر باشد نظام اسلامی را از خطر توطئه های دشمن حفظ کند، در چنین شرایطی ازدواج مرد مسلمان با اینگونه زنان جایز است.

در این خصوص روایات وارد شد که مبین این قول است. برای نمونه به نقل از قول زراره می خوانیم که گفت: «از امام باقر (ع) در مورد معنای مستضعف پرسیدم، فرمود: مستضعف کسی است که نه راه چاره ای به سوی کفر می یابد تا کافر شود و نه راهی به سوی ایمان، یعنی نه می تواند ایمان بیاورد و نه می تواند کفر ورزد، مانند کودکان و مردان و زنانی که به لحاظ عقلی، مانند کودکان هستند. از این افراد، قلم تکلیف برداشته شده» (کلینی،۱۳۶۷، ۴۰۴/۲) (قمی،۱۴۱۴، ۱۴۹/۱)

گاه در روایات از مستضعفان فکری، به گونه ای دیگر تعبیر شده است، از جمله در روایت موثقه حمران بن اعین می خوانیم: «حمران می گوید: یکی از خویشانش، تصمیم به ازدواج داشت، ولی برای این منظور، زن مسلمانی که با او توافق (فکری و عقیدتی) داشته باشد، نمی یافت؛ من این موضوع را با امام صادق (ع) در میان نهادم. حضرت فرمود: نظرت در مورد زنان کوته فکر و کم خرد چیست که شناختی نسبت به امور، در حق و باطل ندارند؟ (کلینی،۱۳۶۷، ۳۴۹/۵). مقصود حضرت آن است که شخص مزبور، می تواند در این موقعیت، با چنین زنی ازدواج کند اما به لحاظ حکم ثانوی می توان با تمسک به قانون عسر و حرج که مبتنی بر دلیل هایی متعدد از جمله آیه «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج/۷۸) است، ازدواج در فرض مورد بحث را جایز دانست.

براساس استناد به نصوص شرعی قانون «لاحرج» یک قلمرویی عام داشته و تا جایی که قانونی مهمتر از آن نباشد، دست برداشتن از آن وجهی ندارد. بنابراین قاعده ی لاحرج در این خصوص نسبت به قاعده نفی سبیل خروج تخصصی دارد. نکته لازم ذکر است که هر مقدار مشقت و حرج نمی تواند منجر به تمسک به این قانون شود، بلکه این مشقت می بایست قابل توجه و شدید باشد به طوری که عادتا قابل تحمل نباشد.

در تزاحم قاعده ی اضطرار و نفی عسر حرج با قاعده ی نفی سبیل نباید فراموش کرد که تحت هیچ شرایطی نباید برای رهای از شرایط اضطرار و عسر و حرج منجر و منتج به سفک دماء و ریختن خون مسلمانی شود. بر این اساس در قانون مجازات اسلامی هم در خصوص اضطرار اشاراتی شده و ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی اشعارمی دارد: «مسئولیت کیفری در حدود قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل و بالغ و مختار باشد به جز در موارد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم آمده است.»

مهمترین مستند فقها در استثنای قتل از موارد رفع مسئولیت کیفری در اکراه و اضطرار روایاتی است که تقیه را در دماء نفی می کند (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ۹۶/۱) (سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۷۴/۱۶) و امام صادق (ع) در این زمینه می فرمایند: «تقیه برای حفظ خون قرار داده شده است، پس هرگاه به خون رسید تقیه نخواهد بود.» (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ۹۶/۱)

بنابراین در بحث نکاح با کفار نیز حتی اگر در شرایط اضطراری یا توام با اکراه علم حاصل شود که تحقق این نکاح منجر به استیلاء دشمن بر سرحدات اسلامی شود و باعث ریختن خون مسلمانی شود، نکاح در این شرایط جایز نیست. پس می توان در این موضوع قایل به

تفصیل شد؛ یعنی در صورت عسر و حرج و اضطرار، نکاح با کافران و افراد مستضعف با در نظر گرفتن شرایط خاص مجاز است ولی در صورتی که اضطرار منجر و منتج به مخاطرات جانی برای مسلمین باشد، چنین نکاحی ممنوع است.

نتیجه گیری:

ازدواج مسلمان با کافر در صدر اسلام موضوعیتی نداشته و تمامی ارتباطات و مناسبات مسلمین با کفار در چهار چوب کشور اسلامی در قالب دارالاسلام بود اما امروزه مناسبات و ارتباطات گسترده در زمینه های اقتصادی سیاسی فرهنگی و ... با ملت های غیر مسلمان عنایت به این موضوع را افزایش داده است . مقاله حاضر به بررسی ادله حرمت نکاح با کفار در فقه امامیه بر اساس قاعده نفی سبیل پرداخته و در تلاش است به این پرسش ها پاسخ دهد.

پاسخ پرسش اول : قاطبه فقهای امامیه قائل به حرمت نکاح دائمی با کفار اعم از کتابی و غیر کتابی بوده و در خصوص ازدواج موقت نظیر نکاح با کفار ذمی (اهل کتاب) جایز ولی ازدواج با کفار غیر کتابی (حربی) را تحت هر شرایطی مجاز نمی دانند.اقوال دیگر فقهای امامیه دراین خصوص مختلف و بدین شرح می باشد.برخی قائل به حرمت مطلق ازدواج با اهل کتاب بوده و بعضی جواز مطلق ازدواج با اهل کتاب را تجویز کرده ،برخی نیز میان همسر دائم و همسر موقت قائل به تفصیل شده ، تعدادی نیز بر اساس عنصر اختیار و اضطرار، نکاح دائم و متعه اختیاری را حرام و نکاح دائم و متعه اضطراری را جایز دانسته، و در پایان گروهی معتقدند: نکاح دائم اضطراری ومتعه اختیاری ،جایز است. ضمنا ازدواج دختر مسلمان با شخص کافر تحت هر شرایطی مجاز نمی باشد.

پاسخ پرسش دوم :مهمترین مستند فقهی ادله حرمت نکاح با کفار،آیات شریف قرآن ،سنت وعقل می باشد و شامل ادله ذیل می شود: ۱-تسلط کفار براموال مسلمین از طریق رابطه ارث بری . ۲-سست شدن روحیه جهاد و استیلا کفار بر ممالک اسلامی۳- دشواری در تربیت فرزندان و اختلافات خانوادگی زوجین با یکدیگر و خطر انهدام بنیان های اعتقادی درخانواده . ۴- ایجاد تناقض قوانین و انشقاق اجتماعی و به خطر افتادن وحدت در جامعه اسلامی .۵- جلوگیری از جاسوسی و نفوذ دشمن درجامعه اسلامی.

پاسخ پرسش سوم: در تعارض قاعده فقهی نفی سبیل جمهور فقهای امامیه قائل به حکومت قاعده نفی سبیل بر ادله و احکام اولی می باشند. چرا که در چنین شرایطی هرگز نوبت به تعارض نمی رسد و دلیل نفی سبیل همیشه مقدم خواهد بود. اما زندگی در بلاد کفر باعث می شود فرد مسلمان یا جامعه اسلامی برای حصول به منافع مهمتر لاجرم برخی اوقات به طور موقت این قاعده را مورد غمض عین قرار دهد. مثلا گاهی اوقات نظام اسلامی ناچار است انگیزه نفی هرگونه سبیل و سلطه در آینده، به طور موقت سلطه کفار را بپذیرد. بنابراین قاعده نفی سبیل در تزاحم با مصالح مهمتر قابل تخصیص بوده ولی تشخیص مصالح و تقدیم یکی بر دیگری می بایست بر مبنای اصول کارشناسی و با در نظر گرفتن جوانب احتیاط صورت گیرد. کما اینکه در بحث جهاد نیز در مواجهه با دشمنان شارع مقدس اجازه عقب نشینی تاکتیکی را به مجاهدان تجویز فرموده است.

لازم به ذکر است مرجع تشخیص اهم و مهم در مسایل فردی شخص می باشد و در مسایل کلی و عمومی قطعا می بایست نظر نخبگان و کارشناسان در این امر لحاظ شود.

نکته قابل ذکر در این خصوص ،می بایست با توجه به شرایط مسلمین قایل به تفصیل شد. مثلا در مواردی ممکن است فرد مسلمان در شرایط اضطرار و عسر و حرج واقع شود، و طرف مقابل او نسبت به دین حق، دشمنی نداشته و به تعبیر روایات مستضعف باشد و یا در جایی که فرد مسلمان ازطریق ازدواج با این طیف افراد می تواند در لایه های حساس نظام کفر نفوذ و ورود کرده ومنافع ارزشمندی را نصیب نظام اسلامی کند و قادر باشد نظام اسلامی را از خطر توطئه های دشمن حفظ کند، در چنین شرایطی ازدواج مرد مسلمان با اینگونه زنان جایز است. ولی در صورتی که اضطرار منجر و منتج به مخاطرات جانی برای مسلمین باشد، چنین نکاحی ممنوع است.

فهرست منابع:

منابع فارسی

قرآن کریم

ابراهیمی، محمد.(۱۳۷۷).**ازدواج با بیگانگان**.تهران: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

امامی ، حسن.(۱۳۷۶).**حقوق مدنی**.چ چهاردهم،تهران: کتاب فروشی اسلامیه.

بازگیر، یدالله .(۱۳۸۷). **حقوق خانواده** .تهران: فردوسی.

بجنوردی،سید حسن.(۱۴۱۹).**القواعد الفقهیه**.قم: نشر الهادی.

دهخدا، علی اکبر.(۱۳۷۳).**لغت نامه**.چ دوم. تهران: دانشگاه تهران.

شفاهی ،محسن.(۱۳۳۵). **مجموعه قواعد فقه**. بی جا: چاپ نقش ایران.

صادقی ،محمد.(۱۳۸۹).**احوال شخصیه اهل سنت (نکاح) در مذهب شافعی و حنفی**.چ اول.تهران: انتشارات خرسندی.

عمید، حسن.(۱۳۷۲). **فرهنگ فارسی عمید**.چ نهم. تهران : امیر کبیر.

قرضاوی، یوسف.(۱۳۸۲).**دیدگاههای فقهی معاصر**. احمد نعمتی .بی جا: احسان.

قمری ، داریوش.(۱۳۸۰).**تحول ناسیونالیسم در ایران**.تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

کاتوزیان ،ناصر .(۱۳۷۹).**حقوق مدنی خانواده**. چ چهارم .تهران: نشر دادگستر.

کارل ،آلکسیس .(۱۳۷۷). **نیایش**. علی شریعتی.تهران: الهام.

کاظم زاده، علی.(۱۳۸۲).**تفاوت حقوق زن ومرد در نظام حقوقی ایران**.تهران : میزان.

لنکرانی ،محمد فاضل.(۱۴۲۵). **قواعد الفقهیه**. قم:مرکز فقهی ائمه اطهار.

مالمپر، محمد ابراهیم.(۱۳۸۶). **قاعده نفی سبیل و نقش آن در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی** . کرمانشاه: موسسه ی شیفتگان کمال.

وطنی ،امیر."قاعده اضطرار".**مقالات و بررسی ها**.۸۱. ۸۲/۶. ۲۲، ۱۸۷-۲۰۷.

منابع عربی:

ابن اثیر، مبارک بن محمد جرزی.(۱۴۲۲).**النهایه فی غریب الحدیث والاثر**.بیروت: دارالمعرفه.

ابن براج، عبد العزیز. (۱۴۰۸). المذهب ، **سلسله الینا بیع الفقهیه** .بیروت: الدار الاسلامیه فقه الشیعه.

ابن حمزه، سید محمود مرعشی.(۱۴۰۸). **الوسیله**. قم: منشورات مکتبه آیت الله مرعشی.

ابن منظور،محمد بن مکوم.(۱۴۱۶).**لسان العرب**. چ دوم.بیروت: دارالاحیاءالتراث العربی.

ابوزهره ،محمد.(۱۹۹۷).**الاحوال الشخصیه**.چاپ دوم. قاهره: دارالفکر العربی.

انصاری / شریف مرتضی، سید مرتضی. (۱۳۹۱). **انتصار**.علی بن حسین موسوی.نجف اشرف:المطبعه الحیدریه.

انصاری، محمد علی . (۱۴۱۵). **الموسوعه الفقهیه المیسره**. بی جا: مجمع الفکر الاسلامی.

جصاص، احمد بن علی .(بی تا). **احکام القرآن**. محمد صادق قمحاوی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

خویی، ابوالقاسم .(۱۳۹۳).**منهاج الصالحین**.چ دوم. تهران : مکتب لطفی.

راغب اصفهانی،حسین بن محمد.(۱۴۱۲).**مفردات الفاظ القرآن**.بیروت: دارالسامیه.

راوندی، قطب الدین سعید بن هیبت الله .(۱۴۰۵). **فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام**.قم: کتاب خانه آیت الله مرعشی.

سبزواری، هادی،(۱۴۱۳). **مهذب الاحکام**.قم: دارالکتب الاسلامیه.

سلار، بن عبدالعزیز .(۱۴۱۴).**المراسم العلویه**. بیروت : دار الحق.

سید علی اکبر،قریشی .(۱۳۶۷).**قاموس قرآن**. بی جا: دارالکتب الاسلامیه.

سید محمد صدیق، قنوچی.(بی تا).**نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام**.قم : دارافکر.

صدوق، علی بن محمد بابویه .(بی تا).**علل الشرایع**.بیروت : دار المرتضی.

طوسی ،شیخ طوسی، محمد. (۱۴۰۰).**النهایه**.بیروت: دارالتب العربی.

فیروز آبادی،محمد بن یعقوب.(۱۴۱۲).**القاموس المحیط**.بیروت دارالاحیاء التراث العربی.
کلینی، محمدبن یعقوب.(۱۳۶۷).**فروع کافی**. قم: دارالکتب الاسلامیه.
مازندرانی، محمد صالح. (۱۴۲۱). **شرح اصول کافی**. بیروت : دارالاحیاء التراث العربی.
محقق حلی، جعفر بن حسن .(۱۴۰۹).**شرایع الاسلام فی مسائل حلال و حرام**.چ دوم.تهران : انتشارات انقلاب.
محمد حسن،حر عاملی. (بی تا).**وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه** .بیروت :دارالاحیاء التراث العربی.
محمد حسین، کاشف الغطا.(۱۹۶۰)**اصل الشیعه و اصول ها**.چ نهم. بیروت: دارالبحار.
مکی عاملی، زین الدین بن علی.(۱۴۱۳).**مسالک الافهام**. قم: موسسه المعارف الاسلامیه .
موسوی خمینی، روح الله.(۱۴۰۴). **تحریر الوسیله**. چ دوم.قم: نشر اسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
میرزا حسین نوری ،(۱۴۰۷). **مستدرک الوسایل**. قم: موسسه ی آل البیت علیهم السلام.
نجفی ، محمد حسن.(۱۹۸۱).**جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**.بیروت: دارالاحیاء التراث العرب